



## بهینه‌گزینی به جای نسخه‌برداری

مُسکن‌های نظام سرمایه‌داری جواب‌گو نیستند  
گفت‌وگو با دکتر محمدجواد ابروانی

محمدحسین وزیرانی

محمدجواد ابروانی بین سال‌های ۶۴ تا ۶۸ شمسی و در بچوچه جنگ تحمیلی تصدی وزارت اقتصاد را بر عهده داشته است. این استاد دانشگاه به واسطه تجربه در مناصب مهم اقتصادی و نیز حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، نقش اثرگذاری در تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی داشته است. وی معتقد است که هر چند برخی اقتصاد مقاومتی را معادل تاب‌آوری اقتصادی مطرح می‌کنند، اما اقتصاد مقاومتی رویکردی است که یکی از دست‌اوردهای آن تاب‌آوری است. سازوکار اصلی برای تاب‌آوری، توانمندسازی درونی و اتکا به نیروهای درونی (خبرون‌زایی) و در عین حال پیوندهای مستحکم با محیط پیرامونی (برون‌گرایی) است.

نگاهی بسوی سخنان حضرت امام خمینی و همچنین رهبر انقلاب اسلامی نشان می‌دهد معیار کبیر انقلاب و در همان مسیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، چارچوب ذهنی خاص و مشترکی در خصوص چارچوب‌های کلان اقتصادی در حکومت اسلامی داشته و دارند. توجه به این آیات و مؤلفه‌ها که ریشه در اسلام‌باوری و دین‌محوری دارد نشان‌دهنده وجوه تمایز برجسته این چارچوب ذهنی با مدل‌های اقتصادی شرقی و غربی است. لهم

ایا اقتصاد مقاومتی الگویی نویدید از سازمان‌دهی عناصر و نهادهای اقتصادی و غیراقتصادی است که کاربست آن می‌تواند هدف ما را محقق کند یا اساساً ناظر به الگوی جدیدی طرح نشده و صرفاً حاوی ایده‌هایی کلی (سلبی و ایجابی) به عنوان سرلوحه برنامه‌ریزی اقتصادی است؟

این ابعاد و مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. آخرت‌گرایی: قرار گرفتن تمامی پیشرفت‌ها در خدمت سعادت جامع و کامل انسان.
۲. استکبارستیزی، استثمارستیزی و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری.
۳. اعتماد و اتکا به توانمندی‌های خدادادی.
۴. مردم‌گرایی.
۵. عدالت‌محوری.
۶. توانمندسازی و بالفعل کردن استعدادها.

این زیرساخت فکری در عرصه و میدان عمل، ظرفیت تجلی متناسب با شرایط و اقتضات را دارد و امروز در قالب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. هرچند برخی اقتصاد مقاومتی را معادل تاب‌آوری اقتصادی (Economic Resilience) مطرح می‌کنند، اما اقتصاد مقاومتی رویکردی است که یکی از دست‌آورددهای آن تاب‌آوری است و سازوکار اصلی برای تاب‌آوری توانمندسازی درونی و اتکا به نیروهای درونی (درون‌زا بودن) و در عین حال پیوندهای مستحکم با محیط پیرامونی (برون‌گرا بودن) است. هدف اصلی این رویکرد، رساندن کشور به پیشرفت است. ضمن اینکه عدالت ذاتی آن است نه یک جز انسانی که حال در این فکر باشیم که اول توسعه بایم و سپس به عدالت بپردازیم. پیشرفت مفهومی است که عدالت ذاتی آن است.

بر همین اساس، نگاه به مضامین اصلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که این نگاه، نه یک اقتصاد لیبرالیستی فردگرایانه است و نه یک اقتصاد کمونیستی دولت‌گرا و نه برآمده از مکاتب ترکیبی مانند مکتب چین؛ بلکه یک نگاه ویژه است. اقتصاد مقاومتی تأکیدی توأمان بر منافع فرد و اجتماع دارد؛ زیرا که صرف تأکید بر منفعت فردی لزوماً منافع و رفاه اجتماعی را تأمین نمی‌کند و رها کردن منافع فردی و توجه صرف به منافع اجتماعی، انگیزه‌های فردی را کاهش داده و سرکوب می‌کند. مضامینی چون مردم‌بودن، عدالت‌محوری، توانمندسازی، ساخت درونی، قدرت بالفعل کردن استعدادها، باقی‌مانده منافع ملی و دانش‌بنیان بودن از برجستگی‌های اقتصاد مقاومتی است. اتفاقاً در شرایط فعلی جهانی که در عمل، سرخوردگی و شکست ایدئولوژی‌های سرمایه‌ساز و کمونیستی به اثبات رسیده است و مسکن‌های نظام سرمایه‌داری در حد قرص سبزینه برای درمان بیماری ایندز است. ایده اقتصاد مقاومتی جایگاه خود را پیدا کرده است. موضوعاتی از قبیل تحریم بانک مرکزی که هیچ‌گاه سابقه در تاریخ

اقتصاد جهان نداشت، باعث می‌شود تا اولاً کشورهای برای مقابله با شرایط نااطمینانی به بازاریابی اقتصاد خود بپردازند؛ ثانیاً به ترتیبات، سازمان‌ها و اتحادیه‌های جدید اقتصادی روی آورند که این پیش‌بینی اینجانب از افق آتی اقتصادهای ملی و اقتصاد جهانی است. لذا ما در آینده شاهد یک بازاریابی اقتصادی جهانی و نیز ترتیبات مالی نظام پرداخت‌های موزایی و جدید برای تسویه مبادلات تجاری جهانی خواهیم بود که بدون شک، ترتیبات «پرداخت جدید» به تناسب رشد حجم آن‌ها، جهان‌روایی دلار و یورو را - که عملاً علاوه بر این که موتور اقتصاد جهانی است، نقش موتور محرکه اقتصاد ملی آمریکا و اقتصاد اتحادیه پولی اروپا را ایفا می‌کند - به چالش می‌کشد. تحرک فعال و سریع ایران در این رابطه یک الزام سیاسی فوری به‌ویژه برای مقابله هوشمندانه با تحریم‌ها است.

**نسبت اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چیست؟**

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در واقع سندی است که باید

نسبت بین ابعاد مختلف زندگی انسان و جامعه مسلمان ایرانی را تبیین کند. یکی از ابعاد زندگی اقتصاد است. تبیین نسبت اقتصاد با معنویت، معرفت و آخرت و سایر نسبت‌ها می‌تواند از ایجاد سردرگمی به سوی قله‌های پیشرفت جلوگیری کند. اقتصاد مقاومتی قطعاً از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

**ایا الگوهای توسعه متعارف، توانایی تحقق بخشی به اقتصاد مقاومتی را دارند؟ چگونه می‌توان از الگوها و تجربه‌های ترکیه، مالزی، برزیل و نژادها در این زمینه استفاده کرد؟**

هرچند در علوم مربوط به انسان و جامعه، نسخ‌برداری و تقلید راهگشا نیست، ولیکن بهینه‌گزینی (Bench Mark) و یادگیری از تجارب دیگران شرط هوشمندی است. لذا مطالعه عمیق و تطبیقی مسیر حرکت کشورهای مختلف کامیابی‌ها و ناکامی‌های آنان می‌تواند نکات آموزنده‌ای برای ما داشته باشد. سیاست‌ارائه و راه‌های خرد به طبقات محروم و متوسط جامعه به همراه ارائه مشاوره‌های مختلف اقتصادی و مدیریتی به آن‌ها در برخی کشورها موجب ایجاد یک حرکت مردمی در حوزه اقتصاد شده است. یا استفاده از اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری اطلاعات مسیر حرکت برخی کشورها را تسهیل و تسریع کرده است. تجربه چین در کنترل قاچاق و توانمندسازی استعدادهای درونی به کار ما می‌آید ولی باید توجه کنیم این تجربه‌ها باید برای ایران مناسب‌سازی شوند و در نهایت یک الگوی جامع که در برگیرنده انگیزه فردی، منافع اجتماعی، اقتضات کشور و مؤلفه‌های عزت‌آفرینی و استقلال بخشی باشد، مورد استفاده قرار گیرد.

اقتصاد مقاومتی خود یک الگو است. توجه سیستماتیک و یکپارچه به مجموعه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی‌ای که در همین بسته قرار می‌گیرند شامل حمایت از تولید کار و سرمایه ایرانی، اصلاح الگوی مصرف، نظام اداری، سرمایه‌گذاری و... نشان می‌دهد که برای عمل و شروع به کار، نقطه ایهام کمی وجود دارد. آنچه نیاز است الگوی عملیاتی و اجرایی است که مدیریت جهانی می‌تواند پاسخ‌گویی نیاز ما باشد.

اگر مدیریت را «فرایند کار و اثربخش» استفاده از منابع در جهت تحقق اهداف در چارچوب یک نظام ارزشی بدانیم، آن‌گاه لازم است به‌گونه‌ای جهانی این فرایند تنظیم شود. تجربه هشتصالحه جنگ و سال‌ها جهاد سازندگی در کشور سرمایه‌گراقتداری است که مطالعه عمیق و همه‌جانبه آن می‌تواند الگوی عملیاتی کاربردی را برای ما فراهم کند.

**اگر فرض کنیم که تحقق اقتصاد مقاومتی**

نیازمند ابداع نهادی و یا بازاریابی نهادی است، نظر به صعوبت نهادسازی، چگونه می‌توان در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به نهادسازی در ترازوی بالاتر و مترقی‌تر از سطح فعلی دست یافت؟

اتفاقاً کشور ما تجربه نهادسازی بسیار مؤلفی را دارد. پس از پیروزی انقلاب اغلب گلوگاه‌های کشور که توسط مستشاران خارجی اداره می‌شد، تعطیل یا متوقف شد. در حوزه‌های انقلابی هم در قبال از انقلاب، نهادی وجود نداشت. حضرت امام (ره) با یک حرکت هوشمندانه، نهادهایی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، پژوهشی و نظامی به وجود آوردند. از آن جمله جهاد سازندگی که مهم‌ترین و پررنگ‌ترین تجربه مکتب نهادگرایی در جهان می‌باشد که هنوز هم از کارآمدی بالاتری نسبت به سازمان‌های سنتی برخوردار است. مهم این است که باید در یک حرکت منسجم، منظم و مستمر، بازگشت به ویژگی‌های نهادی آغاز شود. باید سازمان‌های سنتی

هرچند برخی اقتصاد مقاومتی را معادل تاب‌آوری اقتصادی مطرح می‌کنند، اما اقتصاد مقاومتی رویکردی است که یکی از دست‌آورددهای آن تاب‌آوری است و سازوکار اصلی برای تاب‌آوری توانمندسازی درونی و اتکا به نیروهای درونی (درون‌زایی) و در عین حال پیوندهای مستحکم با محیط پیرامونی (برون‌گرایی) است. هدف اصلی این رویکرد، رساندن کشور به پیشرفت است. ضمن اینکه عدالت ذاتی آن است نه یک جز اضافی.



مشخص فناوری اطلاعات، نفت و گاز، گردشگری، تراثت کالاها و خدمات تأثیر  
معنی‌ظری بر اشتغال و تولید و صادرات خواهد داشت.

**■** نظر به جایگاه استثنایی و بی‌بدیل نفت برای بودجه دولت و به تبع  
آن برای تولید ملی کشور و لزوم در نظر گرفتن تمهیدی برای  
آن، دیدگاه شما برای بازمهندسی جایگاه نفت در اقتصاد ایران  
چيست؟

نفت در اقتصاد ایران می‌تواند تبدیل به لوکوموتیو پیشرفت شود و زمینه‌سازجام‌بخشی  
و فعال‌سازی توانمندی‌های داخل را فراهم کند و کشور را در این عرصه مهم اقتصادی  
در سطح و عرصه دانش فنی و مدیریتی ارتقا و با صادرات محصولات نهایی، ارزش  
افزوده عظیمی را برای اقتصاد ملی فراهم ساخته و در افزایش اشتغال صادرات نقش  
اساسی داشته باشد. لیکن نقش‌آفرینی اساسی دیگر گسترش این صنعت نقش آن به  
عنوان تأمین منابع مالی در اقتصاد ایران است. نفت یک درایی بین نسلی است و  
باید به گونه‌ای منابع آن مصرف شود که منافع آن نیز بین نسلی باشد مستقل شدن  
بودجه جاری کشور از نفت نیازمند یک برنامه‌ریزی منسجم، دقیق و همه‌جانبه است.  
تأسیس صندوق توسعه ملی با اختصاص متوسطاً سالانه یک‌چهارم منابع نفتی به  
صندوق، یک انقلاب اقتصادی مهم در رشد تولید - اختصاص منابع صرفاً به تولید -  
و از همه مهم‌تر در شیوه تأمین مالی تولیدات ملی فراهم کرد. زیرا تبدیل «مصرف  
یکجسار مصرف‌ارز» به روش «وام‌دهی اقتصادی» باعث انتخاب صحیح تولیدات و  
نهادی‌شدن رقابت‌پذیری تولید می‌گردد.

به نظر اینجانب اهمیت مطلب اخیر خود یک تغییر روش و انقلاب در چگونگی به  
کارگیری عوامل تولید است که برکات فراوانی دارد اما شرط تحقق آن‌ها تعهد تمام  
مجربان در کل فرایند تأمین مالی است. لذا بازمهندسی جایگاه نفت در اقتصاد ایران  
به دلیل نقش دوگانه آن یک ضرورت انکارناپذیر است. مهم چگونگی این بازمهندسی  
است. هرچند طی ۱۰۰ سال گذشته کشور وابستگی بیمارگونه‌ای به منابع نفتی یافته  
است ولیکن با تأسیس صندوق توسعه ملی، دوری از انکاه به نفت آغاز و طی یک  
حرکت منسجم ۱۰ الی ۱۲ساله می‌توان این بیماری را درمان کرد. نوسازی صنعت با  
روش‌های گوناگون تأمین مالی که دربرگیرنده صنایع حلی باشد، در واقع یستر تکمیل  
زنجیره ارزش در نفت و فراهم می‌کند حذف حلقه‌فروش نیز باید یک سیاست محوری  
و اصولی در نفت کشور باشد تا شاهد تغییر جایگاه نفت در اقتصاد کشور باشیم.

به سوی نهادی‌شدن حرکت کنند! یعنی با شناخت درجه نهادی‌شدن، خود به افزایش  
این درجه کمک کنند سازمان‌های موجود در صورت برخورداری از ویژگی‌های نهادی  
(انطباقی حداکثری با شرایط و اقتضات اسلامی و ایرانی، مردمی‌بودن، مشارکت‌گرا  
بودن و توجه جدی به محیط به‌ویژه محیط ارزشی حاکم بر جامعه اسلامی - ایرانی).  
کارآمدی‌شان افزایش خواهد یافت البته دستاوردهای عظیم نهادی انقلاب اسلامی  
ررفاً محدود به تأسیس نهاد هم نمی‌شود بلکه «نهادی‌سازی کردن سیستم» (In-  
stitutionalization) واژه مناسب‌تری می‌باشد.

نیاز به ایجاد سازمان‌های جدید نیست بلکه باید سازمان‌های موجود بازمهندسی شوند  
و در سطح سازمانی با اجرای سیاست‌های کلی نظام اداری، ساختاری منسجم، توانمند  
پایدار و هوشمند ایجاد شود. مهم‌ترین کار نهادی کردن، تلوم حرکت در مسیر اقتصاد  
مقاومتی است. این کار پیچیده‌ای است که نیازمند یک عزم ملی می‌باشد. نهادی‌سازی  
موضوع مفصلی است که در مطالعات اینجانب در کتاب‌ها و مقالات متعددی قبلاً  
چاپ شده است.

**■** چه بخش یا بخش‌هایی از اقتصاد ایران می‌تواند به مثابه بهترین  
بسترها برای تحقق اقتصاد مقاومتی مطرح شود؟ به عبارت دیگر،  
کدام بخش از اقتصاد ایران است که می‌تواند پیشسازان اقتصاد  
مقاومتی باشد؟

اقتصاد مقاومتی یک حرکت همه‌جانبه است و به‌طور عمده در پی احیا و تقویت نقش  
مردم در اقتصاد است. نه ثروت بزرگ و نه ثروتمند بزرگ متمركز، توانایی رساندن  
کشور به پیشرفت را ندارد. از نظر اجرایی به نظر می‌رسد کشور با برخورداری از نیروی  
انسانی جوان و تحصیل کرده، حدود ۱۱ میلیون فارغ‌التحصیل و ۴ میلیون دانشجو در این  
حوزه آمادگی عظیمی دارد. لازم است «هسته‌های دانا در فناوری‌های مختلف» مانند  
نفت، پتروشیمی، فولاد، مخابرات، کشاورزی و «هتیکه‌های گسترده تولفا» از شرکت‌ها  
و افراد دانش‌بنیان مرتبط به وجود آوریم تا به سرعت زنجیره ارزش افزای تولید در  
بخش‌های مختلف تکمیل شود. در آن صورت در صنایع مختلف می‌توانیم علاوه بر  
ثروت‌آفرینی، وابستگی را قطع کنیم. علاوه بر آن ایجاد تحول در حوزه فرهنگ و رفتار  
عمومی در خصوص ارزش‌آفرینی و اهمیت کار و تلاش و همچنین تحول در نظام  
مالی و تأمین مالی و اجرای دقیق بانکداری اسلامی، نقش‌های زیرساختی مهمی  
دارند و نباید فعال کردن این زیرساخت‌ها و رسیدن آن‌ها مغفول بماند. اما در حوزه‌های